

The Position of Negotiation in Resolving Disputes in the Iranian Oil and Gas Industry - A Case Study of the Arash Gas Field

Hossein Hajiani^{1*}, Susan Poladi², Mostafa Vaez³

1. Department of Oil and Gas Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Department of Private Law, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

3. Department of Criminal Law and Criminology, Bu.C., Islamic Azad University, Bushehr, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 51-72

Article history:

Received: 03 Jul 2024

Edition: 14 Oct 2024

Accepted: 18 Dec 2024

Published online: 22 Dec 2025

Keywords:

Negotiation, Dispute Resolution, Oil and Gas Industry, Arash Gas Field.

Corresponding Author:

Hossein Hajiani

Address:

Iran, Tehran, Shahid Beheshti University, Department of Oil and Gas Law.

Orchid Code:

0009-0001-9947-9757

Tel:

09192023136

Email:

Hosseinhajiani1369@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aims: The Arash gas field, known as Al-Durrah by the Arab countries of the region, is in a very special and unique situation. This gas field is jointly located in the waters of Iran, Saudi Arabia and Kuwait, and as a result, all three countries claim ownership of this gas field; therefore, there is great uncertainty as to which country has the most ownership of this gas field or, basically, what percentages each country should have of the extraction capacities from this gas field. In a situation where we are faced with such uncertainty, the simplest and most obvious answer in international law is to determine the borders and jointly and peacefully use this gas field. For several reasons, including the imminent presence of foreign companies in the project to extract this gas field, it is very important that the Iranian authorities, while understanding the importance of this issue, begin diplomatic measures as soon as possible and enter into negotiations with the parties.

Materials and Methods: This research is theoretical and the research method is descriptive-analytical and is based on collecting information through libraries and referring to documents, books, and articles.

Ethical Considerations: In the present study, the principles of trustworthiness, honesty, impartiality, and originality of the work have been observed.

Findings: Given the complex geographical conditions of the Arash gas field, it seems that it will be very difficult to decide on it even for the international court, so it is better for the parties to the dispute to cooperate with each other and solve the issues between themselves and resolve this matter through negotiations. If technical negotiations are held and if each of the three countries retreats 10 kilometers from its expected boundaries from the central part of the Arash gas field, an agreement may be reached. Of course, this depends on equal and fair sacrifices by all three countries, and if the representatives of the parties to the dispute consider these sacrifices, they can resolve the issue without a court.

Conclusion: In the current situation of the region, it is felt that in order to maintain stability, security and avoid any new crisis in the region, the officials of the interested countries should, with prudence, wisdom and rationality, continue the previous meetings and away from any media hype and propaganda blackmail, with a positive outlook and a win-win strategy, consult and conduct negotiations to achieve understanding and a fair solution to the existing dispute so that the relevant countries can benefit from its benefits. It seems that the use of peaceful and alternative methods, which are not limited to legal solutions and are very flexible and innovative, while peacefully resolving disputes, will maintain friendly relations and the rights of the parties, reduce costs and speed up the handling of disputes.

Cite this article as:

Hajiani, H; Poladi, S; Vaez, M. *The Position of Negotiation in Resolving Disputes in the Iranian Oil and Gas Industry - A Case Study of the Arash Gas Field*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.



جایگاه مذاکره در حل و فصل اختلافات صنعت نفت و گاز ایران - مطالعه موردی میدان گازی آرش

حسین حاجیانی^۱، سوسن پولادی^۲، مصطفی واعظ^۳

۱. گروه حقوق نفت و گاز، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. گروه حقوق خصوصی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

۳. گروه حقوق جزا و جرم شناسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۱-۷۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

مذاکره، حل و فصل اختلافات، صنعت نفت و گاز، میدان گازی آرش.

نویسنده مسئول:

حسین حاجیانی

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، گروه حقوق نفت و گاز.

تلفن:

09192023136

کد ارکید:

0009-0001-9947-9757

پست الکترونیک:

Hosseinhajiani1369@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: میدان گازی آرش که از سوی کشورهای عرب منطقه به نام الدرہ شناخته می‌شود، در یک وضعیت بسیار ویژه و خاص قرار دارد. این میدان گازی به طور مشترک در آب‌های ایران، عربستان و کویت قرار داشته و در نتیجه هر سه کشور درباره مالکیت این میدان گازی، ادعا دارند؛ بنابراین ابهام بزرگی مطرح است که کدام کشور بیشترین تملک را بر این میدان گازی دارد یا اساساً ظرفیت‌های برداشت از این میدان گازی از سوی هر کشور باید با چه درصدهایی مشخص شود. در وضعیتی که با چنین ابهامی رو به رو هستیم، ساده‌ترین و بدیهی‌ترین پاسخ در حقوق بین‌الملل، تعیین مرزها و استفاده اشتراکی و مسالمت‌آمیز از این میدان گازی است. به دلایل متعددی از جمله قریب الوقوع بودن حضور شرکت‌های خارجی در پروژه استخراج این میدان گازی، بسیار مهم است که مقامات ایرانی هر چه سریعتر، ضمن درک اهمیت این موضوع اقدامات دیپلماتیک را آغاز نموده و با طرفین وارد مذاکره شوند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: با توجه به شرایط پیچیده جغرافیایی میدان گازی آرش، به نظر می‌رسد تصمیم در خصوص آن حتی برای دادگاه بین‌الملل هم بسیار دشوار خواهد بود، بنابراین بهتر است که طرف‌های مورد اختلاف با یکدیگر همکاری‌های مشترکی داشته و خودشان مسائل فی‌مابین را حل کنند و این کار را با مذاکره حل و فصل نمایند. در صورتی که مذاکرات فنی صورت بگیرد و اگر از بخش مرکزی میدان گازی آرش هر کدام از ۳ کشور ۱۰ کیلومتر از حدود مورد انتظار خود عقب نشینی کنند، شاید بشود به یک توافق رسید. البته این کار به از خود گذشتگی مساوی و عادلانه از سوی هر ۳ کشور بستگی دارد و چنانچه نمایندگان طرفین اختلاف این گذشت‌ها را در نظر بگیرند، بدون دادگاه هم می‌توانند مسئله را حل و فصل نمایند.

نتیجه: در شرایط کنونی منطقه احساس می‌شود به منظور حفظ ثبات، امنیت و اجتناب از بروز هر گونه بحران جدید در منطقه، مقامات کشورهای ذی نفع با درایت، حکمت و عقلانیت در ادامه نشست‌های قبلی و به دور از هر گونه جار و جنجال رسانه‌ای و شانتاژ تبلیغاتی با نگاه مثبت و راهبرد برد-برد به رایزنی و انجام مذاکرات تا نیل به تفاهم و حل منصفانه اختلاف موجود اقدام نمایند تا کشورهای ذی ربط از منافع آن منتفع گردند. به نظر می‌رسد که استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز و جایگزین که صرفاً محدود به راه حل‌های حقوقی نبوده و بسیار منعطف و نوآورانه‌اند، ضمن حل مسالمت‌آمیز اختلافات، موجب حفظ روابط دوستانه و حقوق طرفین، کاهش هزینه و سرعت رسیدگی به اختلافات می‌گردد.

۱. مقدمه

رژیم حقوقی حاکم بر صنعت نفت ایران، از نوع رژیم دولتی (قراردادی) است که در آن مطابق ماده ۲ قانون نفت مصوب ۱۳۹۰، مالکیت منابع زیرزمینی نفتی جزو انفال بوده و اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع مذکور به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی بر عهده وزارت نفت قرار داده شده است.

ده‌ها سال از اکتشاف میدان مشترک گازی آرش در پیچیده‌ترین جغرافیای سیاسی جهان می‌گذرد و حل اختلاف‌های مرزی میان ایران و کویت نیازمند اقدام دیپلماتیک ایران و نگاه برد-برد است. در طول سال‌های اخیر کویت با استفاده از نتایج لرزه‌نگاری انجام شده توسط شرکت شل، خط مرز جدیدی تعیین کرده است که مدعی هستند بر اساس آن کل ساختمان میدان آرش در بخش عربی قرار می‌گیرد، اما این خط مرز تاکنون توسط ایران پذیرفته نشده است. همچنین در مارس ۲۰۲۲ کویت و عربستان سعودی قراردادی برای تقسیم منابع میدان گازی آرش امضا کردند که اعتراض دولت ایران را برانگیخته و در چارچوب گفت‌وگوهای دوجانبه با مقامات دولت کویت در حال پیگیری این موضوع است. این موضوع به همراه تحدید حدود دریایی، از موضوعات مورد مذاکره ایران و کویت بوده است و آخرین دور مذاکرات حقوقی و فنی در این خصوص در ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ در تهران بین هیأت‌های ایرانی و کویتی در سطح مدیران ارشد وزارتخانه‌های خارجه دو طرف، برگزار شده است. در خصوص اختلاف‌های مرزی بر سر میدان گازی مشترک آرش در شمال خلیج فارس، بر اساس مطالعاتی که انجام شده به دلایل مختلف دشواری‌ها و پیچیدگی‌های فنی و جغرافیایی

منطقه شمال خلیج فارس، تقریباً از تمامی مناطق دریایی جهان، مشکل‌تر و پیچیده‌تر است. این موضوع موجب ایجاد پیچیدگی‌های جدیدی شده به گونه‌ای که برای حل این پیچیدگی‌ها باید مطالعات فنی در هر دو کشور صورت می‌گرفته، اما این مطالعات هیچ‌گاه به صورت مشترک و کامل صورت نپذیرفته، زیرا هنوز توافقی صورت نگرفته است. در خصوص راه کار طرح موضوع اختلاف و ارجاع به محاکم بین‌المللی می‌توان گفت اگر طرف‌ها بخواهند به سمت وساطت بین‌المللی حرکت کنند که در این صورت اگر شکایتی به دادگاه‌های بین‌المللی صورت بگیرد خود به خود آن شکایت به دادگاه لاهه یا همان ICIJ ارجاع خواهد شد. به نظر می‌رسد به دلیل شرایط خاص جغرافیایی در خصوص میدان گازی آرش، تصمیم حتی برای دادگاه بین‌الملل هم بسیار دشوار خواهد بود، مگر آنکه طرف‌های مورد اختلاف با یکدیگر همکاری‌های مشترکی داشته باشند و بپذیرند که بهتر است خودشان مسائل فی‌مابین را حل کنند و این کار را با مذاکره حل و فصل نمایند.

مقامات کشور تاکید دارند که ۴۰ درصد از این میدان گازی در آب‌های سرزمینی ایران و ۶۰ درصد در منطقه بی طرف تقسیم شده بین کویت و عربستان سعودی قرار دارد، اما طرفین عربستانی و کویتی تاکید دارند که کل میدان گازی در منطقه بی طرف قرار دارد و ایران هیچ حقی بر آن ندارد. به نظر می‌رسد که در چنین مواردی دیپلماسی بسیار کارساز است و باید جلساتی جدی و چند جانبه در این خصوص تشکیل شود. حتی می‌توان برای کاهش تنش‌های احتمالی از حضور یک ناظر خارجی در گفتگوها استفاده کرد که داوری بی طرفانه را انجام دهد،

مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

با توجه به شرایط پیچیده جغرافیایی میدان گازی آرش، به نظر می‌رسد تصمیم در خصوص آن حتی برای دادگاه بین‌الملل هم بسیار دشوار خواهد بود، بنابراین بهتر است که طرف‌های مورد اختلاف با یکدیگر همکاری‌های مشترکی داشته و خودشان مسائل فی‌مابین را حل کنند و این کار را با مذاکره حل و فصل نمایند. در صورتی که مذاکرات فنی صورت بگیرد و اگر از بخش مرکزی میدان گازی آرش هر کدام از ۳ کشور ۱۰ کیلومتر از حدود مورد انتظار خود عقب نشینی کنند، شاید بشود به یک توافق رسید. البته این کار به از خود گذشتگی مساوی و عادلانه از سوی هر ۳ کشور بستگی دارد و چنانچه نمایندگان طرفین اختلاف این گذشت‌ها را در نظر بگیرند، بدون دادگاه هم می‌توانند مسئله را حل و فصل نمایند.

۵. بحث

۵-۱. مفهوم اختلاف بین‌المللی

دیوان دایمی بین‌المللی دادگستری در قضیه «مارو ماتیس»، اختلاف بین‌المللی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«اختلاف بین‌المللی عبارت از عدم توافق در مورد موضوع حقی و یا یک واقعیت و یا تضاد در دیدگاه‌های حقوقی و یا منافع بین دو شخص است.» (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ج ۲، ۱۴۰) در این

در غیر این صورت احتمال افزایش تنش بین کشورهای مذکور بسیار بالا است. برای حل این موضوع در نهایت بهتر است از طریق مسالمت آمیز مشکل را حل نمود. این روش شامل جلسات کارشناسی دقیق و حرفه‌ای و دعوت از مقام‌های حوزه انرژی کشورهای مدعی در میدان گازی آرش است. در مذاکرات دوجانبه طی دو دهه اخیر بحث‌های فنی و تخصصی طی مراحل جلو رفت اما به علل مختلف از جمله وجود عمق اختلافات فی‌مابین و همچنین دخالت دول ثالث نتیجه‌ای در بر نداشته است. از یک سو بیش از ۹ دور مذاکره دولت کشورمان و کویت و از طرف دیگر اقدام جمهوری اسلامی ایران که اطلاعات مربوطه به لرزه نگاری اکتشافی که در این میدان به عمل آورده به طرف کویتی ارائه نموده است، بیانگر این نکته است که دولت کویت تا سال گذشته حقوق دولت ایران در این میدان را به رسمیت می‌شناخت اما تغییر مواضع کویتی‌ها پس از حل مشکلات مرزی شان با سعودی‌ها و هم صدا شدن با سعودی‌ها در قبال این میدان نفتی، سوال برانگیز بوده و جای تامل دارد.

نگارنده در پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا از طریق گردآوری و توصیف و تحلیل داده‌ها به بررسی ابعاد موضوع و جایگاه مذاکره در حل و فصل اختلاف موردنظر و معایب و مزایای آن بپردازد. از آنجا که موضوع میدان گازی آرش یک اختلاف بین‌المللی به شمار می‌رود، ابتدا ارائه تعریفی از مفهوم اختلاف بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد.

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با

تعریف، چهار رکن وجود دارند که با مشخص شدن آن ها، تعریف واضح تر می شود.

رکن اول: عدم توافق در موضوع حق، مثل حق حاکمیت درباره جزایر سه گانه که مورد اختلاف بین ایران و امارات می باشد و هر یک از دو دولت آن را متعلق به خود می داند.

رکن دوم: عدم توافق در یک واقعیت: یعنی اختلاف باشد در وقوع امری، مثل اختلاف در آغازگر جنگ به همان گونه که هر یک از دو کشور ایران و عراق دیگری را در آغازگر جنگ معرفی می کردند.

رکن سوم: تضاد در دیدگاه های حقوقی، مثل تضادی که بین اسرائیل و سازمان ملل درباره شخصیت حقوقی سازمان ملل وجود دارد. کنت برنادوت به عنوان میانجی بین کشورهای عرب و اسرائیل در سرزمین های اشغالی به دست اسرائیلی ها کشته شد و سازمان ملل ادعای غرامت کرد. اسرائیل گفت: سازمان ملل، که ادعای غرامت کرده است، شخصیت حقوقی ندارد از این رو، نمی تواند ادعای غرامت کند. فقط کشور متبوع آن شخص می تواند ادعای غرامت کند. در مقابل این نظریه حقوقی، نظریه مشورتی سازمان ملل از دیوان دادگستری قرار دارد که قایل به وجود شخصیت حقوقی برای سازمان ملل برای انجام اهداف و وظایف خود است.

رکن چهارم: تضاد در منافع دو شخص است. تابعان حقوق بین المللی در ابتدا کشورها بودند و بعداً سازمان ها و جدیداً افراد را هم به عنوان تابعان حقوق بین الملل می دانند. در رکن چهارم، بیش تر دولت ها مطرح هستند. البته سازمان ها هم جایگاه ویژه ای در اختلافات بین المللی دارند، ولی افراد هنوز به عنوان طرف در اختلافات بین المللی مطرح نیستند.

اختلافات بین المللی از حیث ماهیت به دو دسته تقسیم می شوند: اختلافات حقوقی و اختلافات سیاسی. اختلافات حقوقی به اختلافات مربوط به حق موجود یا مسائل مربوط به تفسیر و اجرای آن گفته می شود. (همان: ۱۵۰) در تعریفی دیگر: «مناقشات حقوقی، مناقشاتی هستند که در آن اطراف دعوا در مورد اجرا و یا تفسیر حق موجود با یکدیگر اختلاف نظر دارند.» (عمادزاده، ۱۳۹۶: ۲۹۳)

اختلافات سیاسی تعارض منافع و تضاد میان موضوعات حقوق بین الملل در مورد تغییر و اصلاح حق موجود هستند. (ضیائی، ۱۳۹۶: ۲۸۲) در بعضی از تعاریف، اختلافات سیاسی را به طور کلی به اختلافاتی اطلاق کردند که از طریق حقوقی قابل حل نباشند. (میرعباسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۵۶) البته چنین نیست که اختلافی فقط جنبه حقوقی یا فقط جنبه سیاسی داشته باشد، عموماً اختلافات دارای دو جنبه هستند.

اصحاب یک دعوی بین المللی می تواند محدود به دو کشور یا دو دولت باشد. (کشور خواهان / کشور خوانده (یا) دولت خواهان / دولت خوانده) همچنین، یک اختلاف یا دعوی بین المللی می تواند به جای دو کشور مربوط به چند کشور باشد در این صورت دول خواهان و دول خوانده اصحاب دعوی را تشکیل خواهند داد.

مطالب متفاوتی می تواند موضوع یک اختلاف یا دعوی بین المللی باشد. پرونده های مطروحه در محاکم بین المللی را می توان به صورت زیر تقسیم بندی نمود:

الف) دعاوی و اختلافات ارضی

۱- دعوی و ادعای حاکمیت متعارض دو دولت در مورد یک سرزمین یا یک قطعه از سرزمین یا یک جزیره

۲- دعوی مربوط به تعیین خطوط مرزی خشکی بین دو یا چند کشور

۳- دعوی مربوط به تعیین خطوط مرزی آبی بین دو یا چند کشور

۴- دعوی مربوط به حق استفاده انحصاری یا دسته جمعی از یک آبراه یا یک کانال بین‌المللی
۵- دعوی مربوط به حقوق ماهیگیری در یک منطقه از دریا

۶- دعوی مربوط به تقسیم عادلانه فلات قاره مشترک یا محصور بین دو یا چند کشور.

۷- دعوی مربوط به حق الارتفاق های یک دولت در سرزمین تحت حاکمیت دولت دیگر یا آب یک دولت دیگر

ب) دعاوی مالی

۱- دعوی مربوط به دیون و قروض بین دولت‌ها
۲- دعوی مربوط به جبران خسارات مالی
۳- دعوی مربوط به مسئولیت مدنی یک یا چند دولت ناشی از فعل یا ترک فعل از جانب آن دولت یا چند دولت در مقابل دول دیگر.

ج) دعوی مربوط به تعیین یا اعلام حقوق یکی از طرفین

۱- دعوی مربوط به تعیین حق و حقوق یک دولت یا مردم یک کشور ناشی از یک معاهده الزام‌آور قبلی بین دو دولت یا چند دولت
۲- دعوی مربوط به حقوق مکتسبه
۳- دعوی مربوط به تأیید یک وضعیت حقوقی بین دو یا چند کشور

۴- دعوی مربوط به نحوه اجرا و تفسیر یک یا چند معاهده
۵- دعوی مربوط به اعلام غیر قانونی بودن اعمال یک یا چند دولت در رابطه با دولت یا دولت‌های دیگر

۶- دعوی مربوط به تجاوز یک یا چند کشور به حقوق یک یا چند کشور دیگر

۷- دعوی مربوط به الزام یکی از طرفین به چگونگی حل و فصل دعوی موجود بین دو یا چند دولت

۸- دعوی مربوط به مسئولیت یک کشور یا یک دولت در مقابل یک یا چند کشور یا حتی در مقابل جامعه بین‌المللی

۹- دعوی مربوط به اعلام باطل بودن یا غیرقانونی بودن اعمال یک یا چند دولت

د) دعاوی مربوط به حقوق بشر و محیط زیست

۱- دعوی مربوط به حقوق بشر در رابطه با رفتار یک دولت با اتباع دول دیگر

۲- دعوی مربوط به نقض تعهدات مربوط به حفظ محیط زیست

۳- دعوی مربوط به آلودگی شدید و مسئولیت آور محیط زیست

و) دعاوی مربوط به حقوق بین‌الملل جنگ^۱

۱- دعوی مربوط به قوانین، مقررات و عرف‌های وضعیت تخاصم

۲- دعوی مربوط به نقض قوانین، مقررات و عرف های حقوق بین‌الملل جنگ

۳- دعوی مربوط به استفاده از تسلیحات منع شده در حقوق بین‌الملل

۴- دعوی مربوط به مسئولیت دولت‌ها در حفظ محیط زیست در زمان جنگ

۵- دعوی مربوط به جبران خسارت وارده در زمان جنگ ناشی از تهاجم یک دولت علیه دولت دیگر

۶- دعوی مربوط به مقررات بی طرفی در زمان جنگ

¹ - Belligerency

۱- روش‌های حل و فصل اختلافات بین‌المللی

اختلافات بین‌المللی معمولاً به دو طریق حقوقی و سیاسی حل و فصل می‌شود. حل و فصل اختلافات بین‌المللی از طریق سیاسی عبارتند از: مذاکره، مساعی

جمیله، میانجی‌گری، تحقیق، سازش یا آشتی و از طریق حقوقی عبارت از: دادگاه دادگستری بین‌المللی و داوری بین‌المللی است. ذیلاً به بیان هر یک از آنها می‌پردازیم.

۵-۲. روش‌های حقوقی حل و فصل

اختلافات بین‌المللی

منظور از حل و فصل حقوقی اختلافات، استفاده از دادرسی قضائی دادگاه‌های بین‌المللی و دادگاه‌های داوری به منظور برطرف کردن مرافعه موجود بین تابعان اصلی حقوق بین‌الملل و دست‌یابی به یک راه حل قضائی در رابطه با آن دعوی است. (ثریائی آذر، ۱۳۹۳: ۲۴) استفاده از روش‌های حقوقی حل اختلافات بین دولت‌ها، حتی اگر طرفین خود به اختیار خود آن روش را انتخاب کرده باشند، منتهی به یک تصمیم و راه حل حقوقی خواهد شد که اصحاب دعوی چاره‌ای جز پذیرش آن نخواهند داشت. در چنین روشی الزاماً عناصر قضایی زیر موجود خواهد بود:

- ۱- راه حلی برای حل اختلاف ارائه خواهد شد (رأی) که براساس جنبه‌های قضایی دعوی تدوین شده است.

- ۲- متابعت از راه حل ارائه شده برای طرفین اجباری و الزامی خواهد بود. (لازم الاجرا بودن رأی نهایی)

- ۳- تصمیم اتخاذ شده (رأی صادره) براساس یک آئین دادرسی که متضمن تساوی حقوق متداعیین در مقابل قضات یا داوران و متضمن حق دفاع برای طرفین باشد، ارائه خواهد شد. در حالی که

سایر روش‌ها یعنی روش‌های غیرحقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی دارای چنین خصیصه‌هایی نیستند. (پیشین: ۴۹-۴۸)

دادگاه‌های بین‌المللی که به منظور حل و فصل اختلافات بین‌المللی تاسیس می‌شوند وظیفه دارند با صدور یک رأی قانوناً الزام‌آور یک اختلاف خاصی را حل کرده و به آن خاتمه دهند.

رأی یا آراء صادره از دادگاه‌های بین‌المللی به منزله یک سند بین‌المللی قانوناً الزام‌آور می‌باشد که مراجع بین‌المللی آن را تایید کرده و برای تابعان حقوق بین‌المللی لازم‌الاجرا است.

دولت‌اصحاب دعوی خود مسئول اجرای رأی دادگاه بین‌المللی هستند و خود مشخص می‌کنند که در قلمرو سرزمینی تحت حاکمیت خود آن رأی چگونه و به چه نحوی باید اجرا گردد. (ثریائی آذر، ۱۳۹۳: ۳۵-۳۲)

۵-۳. روش‌های سیاسی (جایگزین) حل

و فصل اختلافات بین‌المللی

در دوران کهن، دولت‌ها سعی در حل و فصل اختلافات خود داشتند، ولی مهم‌ترین روشی که آن‌ها برای حل اختلافاتشان به کار می‌بردند، توسل به جنگ بود و تا مدت‌ها نیز در حقوق بین‌الملل مجاز شمرده می‌شد و بعضی از دانشمندان جنگ را یک پدیده طبیعی در صحنه بین‌الملل می‌دانستند.

به دلیل خسارت‌های زیاد ناشی از جنگ، توسل به زور به مرور زمان مطرود شد و کشورها سعی کردند اختلافاتشان را از طرق مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند. تلاش‌های زیادی در باب توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی صورت گرفته‌اند، ولی تلاش جدی اولیه و فراگیر در سطح جهانی را باید در کنفرانسهای لاهه و پس از آن یافت.

حل و فصل مستقیم اختلافات به روشهای جایگزین- همان اختلافاتی که دادگاهها باید به آنها رسیدگی کنند- به اختلافات پایان می‌بخشد. در روشهای جایگزین امکان حل و فصل اختلافات غیرحقوقی که قابلیت طرح در دادگاه ها را ندارند فراهم شده و از تبدیل این اختلافات به اختلافات حقوقی و در نتیجه، تولید دعوای جدید جلوگیری به عمل می‌آید. یکی از مهمترین مزایای این روشها، این است که اصولاً مبتنی بر اراده طرفین اختلاف است. برخلاف دادگاهها که قضات از طرف دولت منصوب می‌شوند و طرفین نقشی در تعیین یا جایگزینی آنها ندارند، در روشهای جایگزین، اشخاص ثالث بی طرف از سوی خود طرفین اختلاف انتخاب می‌شوند و هر زمان که بخواهند می‌توانند با توافق خود شخص دیگری را جایگزین وی کنند. (Krishan Ranbir, 2001: 35)

همچنین با ارجاع اختلافات به روشهای جایگزین، از مشکلات پیچیده ناشی از تعارض قوانین و روبه رو شدن طرفین اختلاف با قوانین ناآشنا و بیگانه دوری خواهد شد؛ همچنان که طرفین این اختیار را دارند که در مورد قانون حاکم بر ماهیت دعوا بدون اعمال قانون خاص، (Lawrence W. Newman, 1998: 1) در این جریان رسیدگی، اختلاف خود را حل و فصل کنند.

شیوه‌های جایگزین، ترافیعی نبوده و فضای خصمانه و تهاجمی میان طرفین به وجود نمی‌آورد و اختلافات طبق توافق و به صورت دوستانه حل می‌شود، در نتیجه، شیوه‌های دوستانه جایگزین با کشف راه حلی مرضی الطرفین، ادامه روابط دوستانه را ممکن می‌سازد. (Locaus A. Mistelis, 2015: 140)

در ۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ کنفرانسی با پیشنهاد نیکولای دوم، تزار روسیه، برای خاتمه دادن به

توسعه روز افزون تسلیحات و صلحی پایدار برای عموم تشکیل شد. کشورها ضمن استقبال از این کنوانسیون، موافقت کردند تا در صورت بروز اختلافات، پیش از آن که به جنگ متوسل شوند تا آن جا که امکان دارد، خواستار وساطت دولت‌های ثالث گردند و ایجاد یک کمیسیون تحقیق بین‌المللی برای کشف حقایق از جمله مصوبات این کنوانسیون بود. البته هرگونه تلاش برای حکمیت اجباری با شکست مواجه شد. پس از کنفرانس ۱۹۰۷ صلح لاهه برای رفع برخی نارسایی‌ها در کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه تشکیل شد. کنوانسیون سوم لاهه با فراهم شدن مقدمات جنگ جهانی اول، توفیقی نیافت و مجموع کنفرانسهای صلح لاهه توافق آغازین جامعه ملل برای تدوین حقوق و شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بودند.

در مقایسه با کنوانسیون‌های لاهه، «میثاق جامعه ملل» گامی فراتر گذاشت. طبق مواد ۱۲ تا ۱۵ میثاق، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از تجاوز و شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در جهت تحقق حفظ صلح و جلوگیری از توسل به زور، کشورهای عضو مکلف شدند اختلافات خود را از طریق حکمیت و رسیدگی قضایی و یا از طریق دیپلماتیک و سیاسی حل و فصل نمایند.

«منشور ملل متحد» نیز یکی از اسنادی است که تا کنون در تاریخ مدون بشریت تهیه شده و مورد قبول قریب به اتفاق کشورهای جهان قرار گرفته است که از جمله مهم‌ترین اهداف آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همکاری‌های بین‌المللی است که در ماده ۱ منشور به آن اشاره شده: طبق ماده ۲ بند ۳ منشور، کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با وسایل مسالمت‌آمیز به

طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت را به خطر نیندازد، حل خواهند کرد. ماده ۲ بند ۴ توسل به زور را ممنوع کرده و به سبب اهمیتی که موضوع حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی داشته، فصل ششم را به آن اختصاص داده اند. در ماده ۳۳ منشور آمده است: «طرفین هر اختلاف را که ادامه آن ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکند، باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری و رسیدگی قضایی و مراجعه به مؤسسات و یا ترتیبات منطقه‌ای و یا سایر وسایل مسالمت آمیز به انتخاب خود، حل نمایند.» تأکید منشور ملل متحد به حفظ صلح و حل و فصل اختلافات از راه‌های مسالمت آمیز با توجه به مواد منشور کاملاً مشخص است و در این منشور، توسل به زور منع شده است. مجمع عمومی سازمان ملل تاکنون با صدور قطعنامه‌هایی بر این مهم تأکید نموده است. با توجه به عضویت ایران در سازمان ملل متحد، در خصوص اختلاف ایران با کویت و عربستان بر سر میدان گازی آرش، توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز حل اختلاف، ضروری به نظر می‌رسد.

عمده‌ترین روش‌های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات از طریق سیاسی عبارتند از:

۱ - مذاکره

مذاکره به عنوان اولین طریق حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی ذکر شده است. مذاکره که از رایج‌ترین شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات بین‌المللی است، دارای دو ویژگی انعطاف‌پذیری و مؤثر بودن است. به طوری که امروزه بر اساس اکثر معاهدات، کشورهای عضو در صورت بروز اختلاف، موظف به مذاکره هستند.

مذاکرات معمولاً به یکی از طرق زیر انجام می‌شود:

الف) مذاکرات دو جانبه؛

ب) مذاکرات چند جانبه؛

ج) مذاکرات همه جانبه.

مکان مذاکرات بسته به این‌که مذاکره چند جانبه باشد متفاوت است و معمولاً در پایتخت یکی از کشورهای طرف مذاکره انجام می‌پذیرد، ولی مذاکرات همه جانبه معمولاً در مقر یک سازمان بین‌المللی انجام می‌شود. مدت مذاکرات به عوامل مختلفی هم‌چون عمق اختلافات، مسائل فنی، مشاوره و اوضاع و احوال سیاسی بستگی دارد. به همین دلیل وقت معین و دقیقی برای آن نمی‌توان ذکر نمود. مذاکره از مؤثرترین روش‌هاست و از انعطاف بسیاری برخوردار می‌باشد. البته تأثیر آن در صورتی است که طرفین اختلاف مایل به رفع اختلاف باشند و نیروهای سیاسی آن‌ها تا حدی برابر باشد. در غیر این صورت، در مذاکرات سیاسی، کشورهای ضعیف دست خوش امیال و نظرات کشورهای بزرگ و قوی قرار می‌گیرند.

۲ - مساعی جمیله

مساعی جمیله تلاش دوستانه دولت یا شخص ثالثی است که قصد دارد با فراهم کردن زمینه‌های گفتگو و تبادل نظر، اختلافات دو یا چند کشور را برطرف نماید. دولت یا شخص ثالث دخالتی در ماهیت اختلاف ندارد، و فقط شرایط گفتگو را فراهم می‌کند. مثل اختلاف آمریکا با ویتنام که در آن مساعی جمیله فرانسه مؤثر واقع شد. (موسی‌زاده، ۱۳۸۰: ۳۶۰)

۳- میانجی‌گری

میانجی‌گری به اقدام داوطلبانه و فعال یکی از تابعین حقوق بین‌الملل (دولت‌ها، سازمان‌ها، افراد) جهت دستیابی

به زمینه‌های توافق و رفع اختلافات موجود گفته می‌شود. میانجی‌گری انواع مختلفی دارد که عبارتند از:

الف) میانجی‌گری به منظور حل اختلافاتی که هنوز منجر به جنگ نشده است.

ب) میانجی‌گری به منظور حل اختلافاتی که منجر به جنگ میان طرفین شده است.

ج) میانجی‌گری ارتباطی که میانجی ارتباط دهنده طرفین اختلاف است چرا که با تیرگی روابط بین کشورها، انجام گفتگوهای مستقیم با مشکل مواجه می‌شود و در این موقعیت وظیفه میانجی، تبادل اطلاعات و برقراری تماس و ارتباط بین طرفین است.

د) میانجی‌گری پیشنهاد دهنده: در صورتی که اقدامات میانجی از طریق برقراری روابط بین طرفین با شکست مواجه شود، میانجی می‌تواند فعالیت خود را بیشتر نماید و اعمال زیر را انجام دهد: ۱- ترغیب طرفین به ادامه مذاکره؛ ۲- اعلام نظر و درک خویش از مسائل مورد اختلاف؛ ۳- تنظیم و ابتکار جدید برای پیشبرد حل و فصل اختلافات و حتی نهایتاً مشارکت که بعضی اوقات میانجی عملاً در مساله وارد شده و به صورت یکی از طرفین اختلاف به چانه‌زنی می‌پردازد.

ه) میانجی‌گری تضمین‌دهنده که در این صورت میانجی در مقام ضامن اجرای تصمیمات عمل می‌کند. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۲: ۴۴۳)

اما میانجی‌گری با مساعی جمیله تفاوتی دارد که به شرح زیر قابل شمارش‌اند:

■ در میانجی‌گری شخص میانجی باید مورد قبول و تأیید طرفین اختلاف باشد ولی در مساعی جمیله چنین تأییدی لازم نیست.

■ در میانجی‌گری، شخص میانجی فعال بوده و در مذاکرات شرکت می‌کند در حالی که در مساعی جمیله، شخص ثالث فقط نقش کانال ارتباطی را ایفاء می‌کند.

■ در میانجی‌گری، شخص میانجی وارد ماهیت دعوا شده و ارائه طریق می‌کند، ولی در مساعی جمیله هدف شخص فقط ایجاد زمینه‌های لازم به منظور ایجاد جوی مساعد برای حل اختلاف است.

۴- تحقیق

تحقیق یک روش مسالمت‌آمیز است و در مواردی به کار گرفته می‌شود که ریشه‌یابی یک اختلاف، نیاز به بررسی کیفیت و چگونگی وقایع پیشین داشته باشد. تحقیق هم می‌تواند تنها روش حل مسالمت‌آمیز اختلاف باشد و هم به طور هم‌زمان با سایر روش‌های حل اختلاف به کار گرفته شود. این روش نخستین بار در کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه به عنوان مکمل روش داوری شناخته شد، روش تحقیق به علت این‌که، باعث روشن شدن خیلی از ابهامات می‌شود بارها مورد توصیه قطعنامه‌های سازمان ملل واقع شده است.

۵- سازش یا آشتی

سازش یا آشتی اقدامی است که به منظور نزدیک کردن مواضع اختلاف و از طریق ارائه پیشنهادات لازم توسط کمیسیون سازش صورت می‌گیرد. سازش یا آشتی در فصل اول (سند عمومی داوری ۱۹۲۸) به عنوان یک قاعده بین‌المللی پذیرفته

که حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات همیشه به معنای وساطت و میانجیگری شخص ثالث نیست، بلکه طرفین به بلوغی از تفاهم رسیده‌اند که می‌توانند در عین اینکه با یکدیگر همکاری کنند، اختلافات شان را خودشان از طریق مذاکره حل و فصل نمایند. از این رو، وزارت نفت شیوه‌ها و دستورالعملهایی را برای این مهم در شیوه‌نامه حل اختلاف در قراردادهای شرکت‌های تابعه وزارت نفت (مصوب ۱۳۹۳) تدوین نموده است. ذیلاً به بیان شیوه‌های حل و فصل اختلافات نفتی می‌پردازیم.

۵-۳-۱. مذاکره

مذاکره انواع مختلفی دارد که عبارتند از: الف- مذاکرات دو جانبه: مذاکره دو جانبه به طور مستقیم توسط نمایندگان قانونی دو کشور درگیر و در مواردی از طریق مکاتبه صورت می‌گیرد. مذاکره دو جانبه در اغلب موارد، در سطح کارشناسان آغاز می‌شود و پس از انجام کارهای مقدماتی، مذاکره، در سطح مقامات بلند پایه صورت می‌گیرد. موفقیت مذاکرات تا حد زیادی منوط به اراده و حسن نیت طرفین است. ب- مذاکرات چند جانبه: این مذاکرات زمانی مطرح می‌شوند که چند کشور در یک مسأله با همدیگر اختلاف دارند، و به صورت یک کنفرانس بین‌المللی صورت می‌گیرد. البته موفقیت این مذاکرات بستگی به شرکت همه کشورهای طرف اختلاف دارد.

ج- مذاکرات همه جانبه: امروزه برای مذاکرات چند جانبه، اصطلاح «دیپلماسی پارلمانی» متداول شده است. این اصطلاح توسط دین راسک به کار برده شد. وی مشخصات اصلی آن را چنین بیان کرد: «آنچه که باید «دیپلماسی پارلمانی» نامید نوعی مذاکره چند جانبه است که چهار

شده است. سازش از طریق کمیسیون‌هایی صورت می‌گیرد که معمولاً از ۳ یا ۵ عضو مورد اعتماد طرفین تشکیل شده‌اند. کمیسیون سازش می‌تواند قبل یا بعد از اختلافات تشکیل شود. هرگاه کشورها پیش از وقوع اختلاف، ضمن موافقتنامه‌ای رضایت خود را مبنی بر رجوع به کمیسیون سازش اعلام نمایند، به این امر سازش اجباری گفته می‌شود. (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۷۰-۱۵۵؛ ضیائی بیگدلی، پیشین: ۴۵۰)

ویژگی این روش‌ها در این است که در همه اشکال آن به غیر از مذاکره، حل اختلاف با مداخله و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث صورت می‌گیرد. بدین صورت که شخص ثالث تلاش می‌کند با شناسایی حقایق موضوع، مواضع طرفین را شفاف و به یکدیگر نزدیک کرده و در نهایت با ارائه نظر یا پیشنهادهای کارشناسانه و تخصصی یا مصلحانه به طرفین، اختلاف آنها را حل و فصل نماید. (نیکبخت و همکار، ۱۳۹۵: ۵۹)

۵-۳-۲. روش‌های جایگزین حل اختلاف در اختلافات نفتی

در خصوص راه حل‌های جایگزین در اختلافات نفتی نیز، سه روش مذاکره، روش‌های مدیریتی و کارشناسی در قالب مسالمت‌آمیز پیشنهاد شده است.

در این روش‌های مبتنی بر دوستی، طرفین به یافتن راه حلی از طریق بحث‌های ساختاری تشویق شده و بدون کمک شخص ثالث و به صورت طرفینی، مشاجرات را با تراضی دوطرفه پایان می‌دهند. از آنجایی که مدیریت حل اختلافات، فرایندی مدنی، حرفه‌ای و پیشرفته به شمار می‌رود که به حل و فصل اختلافات اطراف دعوی می‌پردازد، طرفین باید از طریق گفت‌وگو و تعامل به نتیجه مطلوب دست یابند. گفتنی است

اختلافات تعیین کرده است. (موسی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۵۸) چنانچه پس از انقضای مدت، مذاکرات به نتیجه‌ای نرسند، طرف‌های اختلاف موظفند روش حل و فصل دیگری (سازش، تحقیق، میانجی‌گری و مانند آن) را انتخاب کنند.

اگر به مذاکره به صورت خاص و به عنوان یک روش برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی توجه کنیم، تعریف آتور لعل می‌تواند تعریف خوبی باشد: «مذاکرات بین‌المللی شیوه بررسی صلح‌آمیز اختلاف یا اوضاع بین‌المللی است، جهت به حرکت در آوردن یا رسیدن به بعضی تفاهم‌ها، بهبودی، تعدیل یا حل اختلافات بین طرفین درگیر یا طرفین ذی‌نفع.» (میرعباسی، ۱۳۷۶: ۵۶) این تعریف به مراحل مذاکره اشاره دارد. مذاکره در مرحله اول در حد بسیار مختصر در جهت دستیابی به طرق نزدیک شدن به هم و تبادل نظرات است. در مراحل بعد، به صورت تبادل اطلاعات و نظرات تکمیلی و رسیدن به یک تفاهم یا تعدیل درخواست می‌باشد. مذاکره برخلاف سایر شیوه‌ها، بدون مداخله شخص ثالث انجام می‌شود و ارتباط و شخص ثالث در این فرایند نقشی ندارد. هرچند وکلا و مشاوران طرفین اختلاف می‌توانند در جریان مذاکرات شرکت داشته باشند؛ اما حضور آنان به منزله شخص ثالث بیطرف که روند حل اختلاف را تسهیل می‌کند، تلقی نمی‌شود، بلکه آنان در کنار موکل خود به مثابه یکی از طرفین اختلاف به شمار می‌روند. مذاکره به عنوان روش حل اختلاف تشریفات خاصی ندارد و از آن به عنوان منعطف‌ترین و غیررسمی‌ترین روش حل اختلاف نام برده شده است که با اوضاع و احوال و شرایط و نگرانی‌های خاص طرفین نزدیکتر از هر روش دیگری است و می‌تواند با نیازها و خواسته‌های

مشخصه دارد: اولاً، سازمانی دایمی با اهداف و مسئولیتی به مراتب وسیع‌تر از اجلاس‌های مأمور رسیدگی به امور خاص یا یک کنفرانس بین‌المللی با دستور جلسات معین است. ثانیاً، مذاکره‌ای منظم و عمومی که مرتبط با افکار عمومی جهان است و از طریق وسایل ارتباط جمعی صورت می‌گیرد. ثالثاً، دربردارنده آیین گفت و شنود خاص جهت پیش‌برد و یا مخالفت با نظرهای مطروحه است. رابعاً، معمولاً منتج به قطعنامه‌هایی که در بعضی مسائل با رأی اکثریت و یا اکثریت ساده و یا دو سوم و در برخی دیگر با وتو و بدون وتو است، می‌گردد. (میرعباسی، ۱۳۷۶: ۵۹)

مکان مذاکرات بر حسب نوع آن (مذاکرات دو جانبه، چند جانبه و همه جانبه) متفاوت است. در صورت بحرانی نبودن روابط کشورها، مذاکرات دو جانبه و چند جانبه معمولاً در پایتخت یکی از کشورهای طرف اختلاف و یا به طور نوبتی در یکی از پایتخت‌ها صورت می‌گیرند و در صورت بحرانی بودن روابط کشورها، مذاکرات در یک کشور ثابت و بی طرف مانند سوئیس (ژنو) صورت می‌گیرند. اما مذاکرات همه جانبه معمولاً در مقر یک سازمان بین‌المللی انجام می‌شوند.

در خصوص مدت مذاکرات، عوامل گوناگون همچون حسن نیت طرفین، عمق اختلافات، مشاوره‌های مقدماتی و اوضاع و احوال سیاسی تأثیر گذارند. از این رو، نمی‌توان مدت زمان دقیقی برای پایان مذاکرات تعیین کرد.

برخی از معاهدات بین‌المللی برای جلوگیری از اطاله مذاکرات، سقف زمانی مشخص برای پایان آن‌ها تعیین کرده‌اند. برای مثال، ماده ۴۲ کنوانسیون وین ۱۹۷۸، درباره جانشینی دولت‌ها در معاهدات، مدت شش ماه را برای حل و فصل

طرفین، آزادتر از هر روش دیگری تحویل داده شود؛ زیرا در این روش، شخص ثالث دخالت ندارد و در نتیجه، نسبت به دیگر روشهای جایگزین و حل مسالمت آمیز اختلاف، خواهان بیشتری دارد و طرفین نیز از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. طرفین هیچ محدودیتی ندارند و می‌توانند زمان، مکان، تعداد دفعات، طول مدت مذاکره، شرکت کنندگان و امور مربوط به آن را مشخص کنند. (L.A Mistelis, 2001: 205) مذاکره هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دو طرف اختلاف، به این نتیجه برسند که مذاکره مستقیم می‌تواند اختلاف آنها را حل و فصل کند. چنانچه مذاکرات طرفین موفقیت آمیز نباشد اختلاف مورد نظر به داوری یا سایر شیوه‌های جایگزین و یا حل و فصل مسالمت‌آمیز ارجاع داده می‌شود. گاهی نیز طرفین از قبل چهارچوب زمانی خاصی برای مذاکره تعیین می‌کنند که با پایان یافتن مهلت مذکور و تمدید نشدن آن از سوی طرفین مذاکره، پایان یافته تلقی می‌شود؛ برای مثال، ماده ۲ کنوانسیون تأسیس آژانس تضمین سرمایه گذاری چند جانبه‌ها بیان می‌دارد: «چنانچه طرفین نتوانند ظرف مدت ۱۲۰ روز از تاریخ درخواست شروع مذاکرات، به توافقی دست یابند، مذاکرات پایان‌یافته تلقی خواهند شد.» (قنبری جهرمی، ۱۳۸۰، ۴۳۵)

در صورتی که مذاکرات نتیجه بخش باشد و طرفین درباره اختلافات به راه حل مشترکی دست یابند، غالباً موافقتنامه‌ای منعقد می‌کنند و در آن، شیوه حل اختلافات خود را مشخص می‌سازند. موافقتنامه مذکور تنوع بسیاری از اشکال و شروط مختلف را دربر می‌گیرد. این توافق می‌تواند در چهارچوب پاره‌ای از حقوق، از یک طرف یا هر دو طرف باشد یا ممکن است

معامله جدیدی را دربر بگیرد یا متعهد به ارائه اطلاعات شوند یا هر دو به انجام کار و تعهد معینی ملزم شوند و در هر صورت، موافقتنامه به گونه‌ای منعقد می‌شود که به اختلاف طرفین پایان دهد. در مورد اجرای موافقتنامه حاصل از مذاکره نیز، تردیدی نیست که اگر هریک از طرفین از رعایت و اجرای موافقتنامه خودداری کند، طرف یا طرفهای ذینفع می‌تواند بر مبنای قرارداد، یعنی با تکیه بر توافق مذکور، اقامه دعوا کند.

در اختلافات نفتی ممکن است برای مذاکرات سطوح گوناگونی پیش بینی شود؛ برای مثال، مقرر می‌شود که اختلافات نخست باید در سطح کارشناسان مذاکره شود و اگر در این سطح اختلاف پایان نیافت، موضوع جهت مذاکره و تصمیم‌گیری به مدیران میانی ارجاع خواهد شد و اگر مدیران میانی به نقاط مشترک رسیدند، نوبت به مذاکره مدیران ارشد طرفین می‌رسد. (شیروی، ۱۳۹۳، ۶۱۸)

۵-۳-۲. کارشناسی

عده ای کارشناسی را دارای دو ویژگی مهم دانسته‌اند؛ نخست اینکه، برای اصحاب اختلاف نهایی و الزام‌آور است و دیگر اینکه، در کارشناسی لزومی وجود ندارد که از قواعد حاکم بر داوری و رسیدگی‌های دادگاهی استفاده شود. البته ویژگی نهایی و الزام‌آور بودن محل مناقشه است؛ زیرا چنانکه پیشتر تبیین شد، از ویژگیهای اصلی این روشهای حل و فصل اختلافات، غیرالزام‌آور بودن آنهاست؛ از این رو، کارشناسی نیز به عنوان یکی از روشهای جایگزین حل و فصل اختلافات در اصل الزام‌آور نیست و اگر حتی طرفین اختلاف در قرارداد خود چنین توافق کرده باشند که نظر کارشناسی قاطع دعوا باشد، باز هم در عمل و

دهد و یا ظرف شصت روز موضوع را به داوری ارجاع دهند.»

همچنین بند «۳» ماده «۳۷» همین قرارداد بیان می‌دارد: «هر اختلافی که در زمینه‌های فنی بین طرفین ایجاد شود، بایستی از طریق ارزیابی یک کارشناس بی طرف که با توافق طرفین اختلاف تعیین می شود، حل و فصل شود. کارشناس باید ظرف یک ماه پس از قبول انتصابش و یا بیشتر در صورت توافق کتبی طرفین اختلاف، تصمیم خود را ارائه کند.»

همچنین کارشناس بایستی به عنوان کارشناس عمل کند، نه به عنوان داور. هزینه های استفاده از کارشناسان به طور مستقیم و متساوی بر عهده طرفین است. برای مثال، در بند «۳» ماده «۲۹» قراردادهای مشارکت در تولید ترکمنستان، اختلافات مربوط به موارد ویژه، باید به نظر کارشناس بی طرف مرضی طرفین ارجاع شود و نظر این کارشناس طرفین اختلاف، نه تنها الزام آور است، بلکه قطعی و لازم الاجراست. (شیروی، ۱۳۹۳، ۶۲۰)

۵-۳-۳. روش کارشناسی - داوری

این روش در آغاز با کارشناسی شروع می‌شود و مطابق توافق قبلی طرفین، مسائلی که در کارشناسی حل نشده باقی بماند، توسط داوری حل و فصل می‌شود. چنانچه طرفین توافق کنند که حکم کارشناس میان آنها الزام‌آور باشد، بدین معناست که حکم کارشناسی به عنوان سازوکاری قطعی و نهایی برای حل اختلاف مورد استفاده قرار گرفته است و هیچیک از طرفین پس از پایان رسیدگی نمی‌تواند از پذیرش حکم کارشناس خودداری کند. به طور معمول، از حکم کارشناس به صورت الزام‌آور استفاده می‌شود؛ یعنی روش جایگزینی است برای داوری یا دعوای قضایی

حقیقت کارشناسی الزامی نخواهد بود؛ زیرا کارشناسی از داشتن ضمانت اجرایی، مانند ضمانت اجرای داوری و حکم قضایی برخوردار نیست. از این رو، حتی اگر طرفین بر قطعی و الزام‌آور بودن نظر کارشناسی توافق کرده باشند، چنانچه یکی از طرفین از نظر کارشناس خرسند نباشد، می‌تواند بازهم بر اختلاف پافشاری کند و حتی اختلاف را در مراجع رسیدگی، مانند داوری و یا دادگاه و رسیدگی قضایی مطرح کند. البته می‌توان تا زمانی که نظر کارشناس در مرجع رسیدگی کننده نقض نشود، آن را به طور موقت بین طرفین الزام آور تلقی کرد. (مداحی نسب، ۱۳۹۴: ۵۶)

در مورد ضمانت اجرای آن نیز، وجه التزام می‌تواند ضمانت اجرای نسبی و قراردادی برای اجرای نظر کارشناسی باشد؛ یعنی طرفین توافق کنند که هرگاه هر کدام از آنها نظر کارشناس را اجرایی نکردند، بایستی مبلغ محدودی با عنوان خسارت وجه التزام بپردازد. قدرت این چنین ضمانت اجرایی به میزان مبلغ تعیین شده بستگی دارد. (L.A Mistelis, 2001: 203)

همچنین از سوی دیگر، نظر کارشناسی می‌تواند برای مرجع رسیدگی کننده به اختلاف، اعم از اینکه داوری باشد یا دادگاه، مورد استناد رأی داوران یا قاضی قرار گیرد؛ برای مثال، در مدل قراردادهای خدماتی عراق در بند «۲» ماده «۳۷» آمده است: «اختلافات باید در وهله نخست به صورت دوستانه فیصله یابد. اگر سی روز بگذرد و اختلاف حل شود، در صورت اقتضا موضوع به مدیریت ارشد طرفین جهت فیصله اختلاف ارجاع می‌شود و اگر به نتیجه نرسند، طرفین می‌توانند ظرف سی روز یک کارشناس بی طرف با توافق یکدیگر منصوب کنند تا برای حل اختلاف نظر

جهت حل برخی یا همه اختلافات میان طرفین. همچنین گاهی حکم کارشناسی می‌تواند اثر الزام آور موقت داشته باشد؛ یعنی تا زمانی که طرفین درباره آن موضوع، رسیدگی داور را آغاز نکرده اند یا رأی داور حکم کارشناس را نقض نکند یا طرفین توافق جدیدی که متضمن شروط متفاوتی باشد، منعقد نکنند، حکم کارشناس میان طرفین معتبر و لازم‌الاجرا و به عبارتی، الزام آور است، اما نهایی نیست؛ برای مثال، طبق برخی از قراردادهای نمونه که در استرالیا رایج است، حکم کارشناس قطعی و الزام آور است؛ مگر این که یکی از طرفین اختاریه ای مبنی بر پژوهش و پذیرفتن حکم کارشناس در ظرف ۲۱ روز از تاریخ صدور حکم جهت ارجاع اختلاف به مذاکره یا داور ارسال کند. با وجود این، حکم کارشناس تا زمانی که با مذاکرات طرفین و یا رأی داور تغییر داده نشده است، میان طرفین معتبر و لازم‌الاجراست. این نکته نیز گفتنی است که برخورد مؤسساتی که قواعدی را در مورد کارشناسی منتشر کرده اند، در خصوص الزام آور بودن یا نبودن حکم کارشناس یکسان نیست؛ برای مثال، طبق قواعد کارشناسی مرکز کارشناسی اتاق بازرگانی بین‌المللی، حکم کارشناس میان طرفین الزام آور نخواهد بود؛ مگر آن که طرفین بر الزام آور بودن آن توافق کرده باشند. اما قواعد حکم کارشناسی سازمان جهانی مالکیت معنوی، اصل را بر الزام آور بودن نظر کارشناس قرار می‌دهد؛ مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. حکم کارشناسی الزام آور، بسیار به داور نزدیک می‌شود؛ زیرا هر دو روش، اختلافات طرفین را در خارج از دادگاه‌ها به طور خصوصی و محرمانه حل و فصل می‌کنند و نتیجه کار در هر دو الزام آور است. تشابه میان این دو به اندازه‌ای

است که ممکن است اصالت روش حکم کارشناسی به نفع داور مورد انکار قرار بگیرد و کارشناسی که نظر وی برای طرفین الزام آور باشد، داور به حساب آید.

پس از پایان تحقیقات کارشناسی، چگونگی و شکل اعلام نظر کارشناسی، به‌ویژه از لحاظ مواردی همچون لزوم کتبی بودن و توجیه مبنای و دلایل نظر کارشناسی، تابع توافق طرفین خواهد بود. حکم کارشناس بیشتر به صورت کتبی اعلام می‌شود و در آن، دلایلی که نظر بر آن استوار است، بیان می‌گردد. (Andrew Tweeddel - Karen Tweeddel, 2005: 18)

حکم کارشناس قابل تجدیدنظر نیست و تنها در موارد بسیار محدودی قابل اعتراض است. ایراد به حکم کارشناس می‌تواند بر مبنای تقلب کارشناس و اعلام نظر وی به صورت جانبدارانه و خروج وی از دایره بی طرفی پذیرفته شود. افزون بر این، چنانچه کارشناس خارج از حدود صلاحیت خود نظر داده باشد، امکان اعتراض وجود دارد.

رویه قضایی بعضی کشورها، از جمله انگلستان نیز تمایل بدان دارد که حکم کارشناس را معتبر بداند و جز در موارد محدودی که کارشناس به اشتباه حکم صادر کرده است، اعتراض به حکم را نپذیرد. از این رو، دادگاه نیز چنانچه طرفین توافق کرده باشند که هیچ اختیاری در تغییر یا تعدیل حکم ندارند، حکم کارشناس میان آنها الزام آور باشد. لذا با اعلام نظر کارشناس هیچیک از آنها نمی‌توانند به صورت یکطرفه حکم کارشناس را نادیده بگیرد و از اجرای مفاد آن سر باز زند. (ملا ابراهیمی و همکار، ۱۳۹۸: ۴۷۳)

۵-۳-۴. ریشه اختلافات در میدان گازی آرش

پیچیدگی‌های جغرافیای سیاسی در شمال خلیج فارس، مسائل تکنیکی و فنی بسیار زیاد، همینطور اختلاف حقوقی و برداشت‌های متفاوت از قوانین بین‌المللی و دریایی موجب شده است که اختلافات بر سر این میدان انرژی مهم برطرف نشود. در مقاطعی دولت کویت و در زمان‌هایی دولت ایران به دنبال آغاز بهره‌برداری از ذخایر انرژی این منطقه حساس بود که به دلیل برطرف نشدن اختلافات و عدم امضای قراردادی دوجانبه به بعدها موکول شده است.

متأسفانه تسلط بریتانیا در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ در منطقه خلیج فارس منجر به آن شده که شکل‌گیری برخی کشورهای منطقه همراه با به وجود آمدن اختلافات متعدد و استخوان‌های لای زخم شود، به گونه‌ای که ده‌ها اختلاف مرزی و دریایی مختلف میان کشورهای حوزه خلیج فارس وجود دارد و میدان آرش یکی از آن ده‌ها مورد اختلافی است. هرچند کشورهای منطقه تلاش دارند با کاهش تنش‌ها و تداوم اصل توسعه روابط به دنبال حل و فصل اختلافات و گسترش همکاری‌ها حرکت کنند. از سویی قطع روابط ۷ ساله ایران با عربستان منجر به آن شد در مقاطعی دولت کویت با سو استفاده از این تنش ایران با سعودی‌ها بر سر میدان آرش، با ریاض هم پیمان شده تا توان دیپلماتیک خود را برای حل مسئله‌شان با ایران ارتقا دهند.

باید توجه داشت به لحاظ فنی و با در نظر گرفتن میزان محاسبه پهنه سواحل دریایی در مقاطع مختلف زمانی از ۳، ۶ تا ۱۲ مایل و نیز در نظر گرفتن جزیره‌های خارک ایران و «فیکله» کویت و همچنین وجود منطقه مشترک بی طرف میان

کویت و عربستان، تفاهم بر سر میدان آرش را دچار پیچیدگی‌های گسترده کرده است. به عبارتی به گفته برخی کارشناسان پیچیده‌ترین جغرافیای سیاسی در کل دریا‌های جهان را داراست.

وجود منطقه بی‌طرف میان کویت و عربستان در جنوب کویت و مشرف بر میدان گازی آرش که ثمره حضور انگلیسی‌ها در منطقه است، منجر به افزایش مشکلات فنی در منطقه شده است. هر چند مسلماً کشور ما که پس از ۷ سال تنش‌های خود را با سعودی‌ها کاهش داده است و نیز دولت‌های عربستان و کویت علاقه‌ای به افزایش تنش ندارند، اما این به معنای آن نیست که همه اختلافات با تنش‌زدایی برطرف می‌شود. مهم آن است که طرفین بتوانند مسائل خود را به شکل دیپلماتیک و دوستانه و با ادله فنی حل کنند. از اینرو اتخاذ روش مناسب برای حل و فصل اختلاف مذکور هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ استراتژیک حائز اهمیت است.

در چند سال اخیر، نظام داوری سرمایه‌گذاری از برخی ابعاد مورد انتقاد قرار گرفته است، از جمله از منظر هزینه‌های بسیار زیاد رسیدگی (به علت زیاد بودن میزان و انواع ادعاهای طرفین) و همچنین طولانی بودن فرایند رسیدگی‌های داوری که به طور متوسط ۵ تا ۷ سال در داوری‌های سرمایه‌گذاری ارزیابی می‌شود. علاوه بر این به نظر می‌رسد تمایل ذینفعان به استفاده از روشهای مسالمت‌آمیز حل اختلافات که در عین مسالمت آمیز بودن و حفظ روابط طرفین و سرمایه‌گذاریهای انجام شده، ضمانت اجرای کافی و مؤثر را نیز داشته باشد، روزبه روز بیشتر می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه صنعت سرمایه‌گذاری نفت و گاز برای کشور ما اهمیت

وابستگی اقتصادی برخی کشورهای در حال توسعه دارای منابع هیدروکربوری، در رسیدگی‌ها به این دسته از اختلافات، انتخاب شیوه رسیدگی و حتی نحوه مدیریت آنها تأثیرگذار است و دعاوی در این حوزه را به دعاوی خاصی بدل می‌سازد.

انتخاب روش مناسب حل و فصل اختلافات به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله اینکه کدامیک از ویژگی‌های هریک از شیوه‌های حل و فصل اختلافات، برای طرفین با توجه به نوع و ماهیت اختلاف و همچنین شرایط طرفین دعوا، کارایی بیشتری دارد؛ به خصوص در پروژه‌های بزرگتر که روش مشخص حل و فصل دعاوی برای همه انواع اختلافات پاسخگو نیست و ممکن است نیاز به اتخاذ شیوه‌ها و استراتژی‌های گوناگون در مقاطع مختلف وجود داشته باشد.

۵-۳-۱. استفاده از روش مذاکره

در خصوص اختلاف کشورهای عربستان و کویت با ایران بر سر میدان گازی آرش چند راه حل مسالمت آمیز وجود دارد: راه حل نخست، مذاکره است. که به گفته مقامات دولتی در چارچوب گفت‌وگوهای دوجانبه با مقامات دولت کویت در حال پیگیری است. این موضوع به همراه تحدید حدود دریایی، از موضوعات مورد مذاکره ایران و کویت بوده است و آخرین دور مذاکرات حقوقی و فنی در این خصوص در ۲۲ اسفند ۱۴۰۱ در تهران بین هیأت‌های ایرانی و کویتی در سطح مدیران ارشد وزارتخانه‌های خارجه دو طرف، برگزار شده است.

موضوعات مربوط به حدود دریایی و بهره‌برداری از منابع هیدروکربنی مشترک، با مدنظر قرار دادن منافع مشترک و اصل حسن همجواری با همه همسایگان از جمله کویت، همواره مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است. با توجه به

بسیاری دارد، تحلیل شیوه‌های نوین، کارا و مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات ضروری می‌نماید.

۵-۳-۵. لزوم به کار گیری روش مناسب برای حل و فصل اختلافات در میدان گازی آرش

پیش از انتخاب روش مناسب، ابتدا باید دلیل و مبنای موجه و متقنی برای بررسی مجزای این دعاوی از سایر انواع اختلافات ارائه شود تا در ادامه با توجه به همین ویژگی‌ها بتوانیم روشهای حل و فصل اختلافات در این صنعت را تحلیل کنیم. اولین نکته این است که طبق داده‌های ارائه شده از سوی آنکتاد^۱ سهم دعاوی معاهده‌ای سرمایه‌گذاری مطرح شده در بخش نفت و گاز (اکتشاف نفت خام و گاز طبیعی)، با اختلاف زیاد، بسیار بیشتر از دعاوی مطرح شده در سایر صنایع است.^۲ البته باید توجه داشت که پایگاه آنکتاد تنها دعاوی معاهده‌های سرمایه‌گذاری علیه دولتها را گزارش می‌کند اما این آمار و داده‌ها به‌وضوح نشان‌دهنده حجم زیاد سرمایه‌گذاری در این بخش و به تبع آن، بالابودن آمار و حجم اختلافات در این حوزه است.

در این دسته از دعاوی، حساسیت‌ها و سوابق تاریخی و اجتماعی، در جریان حل و فصل اختلاف و شیوه رسیدگی و حتی نتیجه رسیدگی‌ها، اثرگذار خواهد بود و علاوه بر طرفین مستقیم درگیر در اختلاف، ذینفعان غیرمستقیم دیگری همچون مردم جوامع محلی را درگیر می‌کند و متعاقباً این دعاوی را به دسته دعاوی با برخی مشخصات متمایز تبدیل می‌کند. از سوی دیگر،

^۱ - United Nations Conference on Trade & Development (UNCTAD)

^۲ - <https://investmentpolicy.unctad.org/investment-dispute-settlement>, last visited: 5/7/2020.

اینکه اختلافات میان ایران و کویت در مورد میدان گازی آرش جدید نیست و از کشف میدان گازی آرش بیش از ۶۰ سال گذشته و در طی این ۶۰ سال توافقی صورت نگرفته- هر چند به طور موقت توافقاتی مشروط حاصل شده ولی مشکل هنوز حل نشده است- شاید راه حل مذاکره، راه مطلوبی برای رسیدن به هدف موردنظر نباشد. یکی از ویژگی های دعاوی صنعت نفت و گاز این است که اختلافات در این صنعت، در بیشتر موارد در حجم های بسیار بزرگ و وسیع و پیچیده مطرح می شوند که مسائل متعدد و میان رشته ای و همچنین ذینفعان متعددی را دربر دارند (Reid & Wallis, 2012 : 78) که متعاقباً بر مدیریت مؤثر حل و فصل اختلافات در این صنعت نیز تأثیرگذار است. به موارد ذکر شده، پیچیدگی های ذاتی صنعت نفت و گاز که متعاقباً چندوجهی شدن و پیچیدگی ادعاها و اختلافات را در بر دارد نیز باید افزود. (Walde, 2004: 165)

۵-۳-۲. به کارگیری روش های مرکب

در راستای پاسخ به این سؤال اصلی که آیا روش های مرکب در حل و فصل اختلافات صنعت نفت و گاز را می توان جایگزین مذاکره کرد و آیا پاسخگوی انتقادات و مطالبات ذینفعان این صنعت می باشد یا خیر، ذکر برخی نکات ضروری است.

برخی کشورها برای حل و فصل اختلافات خود به دادگاه بین المللی یا همان دادگاه لاهه رجوع می کنند، لیکن به نظر می آید کشور ما به دلیل داشتن تاریخ و ریشه کهن در منطقه تمایل دارد دوستانه و با نگاهی برد- برد و با تشکیل کمیسیون های مشترک فنی و کارشناسی موضوع را حل کند. در صورتی که مذاکرات فنی این کمیسیون در قالب کارشناس - داوری صورت

بگیرد و شاید اگر از بخش مرکزی میدان گازی آرش هر کدام از ۳ کشور ۱۰ کیلومتر از حدود مورد انتظار خود عقب نشینی کنند، بشود به یک توافق رسید. البته این کار به یک از خود گذشتگی، مساوی و عادلانه از سوی هر ۳ کشور بستگی دارد و چنانچه نمایندگان طرفین تعامل و این گذشت ها را در نظر بگیرند، به نظر می رسد که بدون دادگاه هم می توانند مسئله را حل کنند، هر چند حل این مشکل در عمل دشوار است.

بررسی روش های جایگزین حل و فصل اختلافات در صنعت نفت و گاز دنیا، حاکی از معرفی چندین روش برتر است. رایج ترین این روش ها روش مرکب است که روش های میانجیگری Med-Arb قراردادهای بین المللی، روش میانجی گری با داوری یا کارشناسی با داوری را در یک فرایند واحد ترکیب می کند. این روش با میانجی گری آغاز می شود و مطابق توافق قبلی، اگر مسائلی که در میانجیگری حل نشده باقی ماند، توسط داور حل و فصل می شود.

میانجی گری و داوری دو روش کاملاً متفاوت هستند که عمده تمایز آنها در هدف است؛ در حالی که هدف میانجیگری، تشویق طرفین به دستیابی به توافق است؛ داوری قصد دارد که به یک تصمیم قانونی از طریق فرآیند شبه دادرسی برسد. شخص حل و فصل کننده دعوا در Med-Arb سعی در حل و فصل دعوا از طریق میانجیگری بین طرفین دارد. در هر زمان که مشخص شود هیچ شانس در میانجی گری نیست، شخص بیطرف، به وسیله اختیاری که قرارداد طرفین به او داده است، نقش خود را به داور تغییر داده و تصمیم الزام آوری می گیرد.

روش دیگری که در قراردادهای بین المللی نفتی رایج است، روش تلفیقی سازش- داوری است. در

مورد تفکیک سازش و میانجیگری، معیاری وجود ندارد و برخی آنها را مترادف هم دانسته‌اند. (منصوری طهرانی، ۱۳۸۹: ۹)

هر دو روش، متضمن استفاده از شخص ثالث بیطرف به منظور حل و فصل اختلاف با توافق طرفین است. برخی، فعالیت را بودن سازش دهنده را نسبت به میانجی‌گری، عامل تفکیک این دو می‌دانند. اما در عوض در روش کارشناسی-داوری، یک شخص کاردان و حرفه‌ای می‌تواند با جلب اعتماد هر دو طرف دعوی، تمامی جوانب را در نظر گرفته و ابهامات موجود را برطرف کند؛ با این حال، طرفین دعوی می‌توانند فرآیند کارشناسی-داوری را تبدیل به فرایندی مقید کنند. (ارفع نیا و همکار، ۱۳۹۷: ۴۶۱) به شیوه‌ای که ادامه رسیدگی بعد از مرحله کارشناسی را موکول به موافقت هر دو طرف کنند و الزام‌آور یا غیرالزام‌آور بودن رأی کارشناسی را در این روش، از قبل بین خود توافق نمایند.

با توجه به اینکه تصمیم در خصوص اختلاف ایران و عربستان و کویت بر سر میدان گازی آرش حتی برای دادگاه بین‌الملل هم بسیار دشوار خواهد بود- مگر آنکه طرف‌های مورد اختلاف با یکدیگر همکاری‌های مشترکی را با دادگاه داشته باشند و بپذیرند هرچه دادگاه حکم دهد قبول کنند- در این صورت بهتر است خودشان مسائل فی‌مابین را با مذاکره حل کنند و این کار را خود انجام دهند. بنابراین به نظر می‌رسد، راه حل مناسب در این قضیه در وهله اول مذاکره در مورد لزوم تشکیل یک کمیسیون فنی مشترک میان طرفین است که این کمیسیون فنی از طرف نمایندگان و کارشناسان ذی ربط تشکیل شده و به این کمیسیون اختیارات کامل بدهند و از خود گذشتگی‌های لازم را در اختیار آنها قرار دهند. در

وهله دوم توافق بر نحوه چگونگی پذیرش نظر کارشناسان به عنوان داور در این قضیه است. بر همین اساس دولت ایران و کویت تا کنون ۹ دور مذاکرات حقوقی در این زمینه با یکدیگر داشته‌اند و تا امروز پیگیری‌ها برای تعیین حدود مرزی دو کشور استمرار دارد.^۱ از اینرو به نظر می‌رسد تنها راهکار این مسئله، گفت‌وگوی فنی و حقوقی هیئت‌های ایرانی و کویتی بدون توسل به جنجال‌های رسانه‌ای است. ضمن اینکه دولت ایران همواره بر حسن‌نیت خود با کشورهای همسایه تأکید می‌کند، و بارها از دولت کویت دعوت نموده برای دستیابی به توافقی پایدار که منافع دو طرف را تأمین کند، به میز مذاکرات فنی و کارشناسی بازگردد.

۶. نتیجه

با توجه به اهمیت زمان و هزینه در صنعت نفت و گاز و به دلیل وابستگی مستقیم درآمدهای کشور به آن‌ها، استفاده از روش کارآمدتر حل و فصل اختلافات، از ضرورت‌های صنعت نفت و گاز است. در خصوص میدان گازی آرش به دلیل پیچیدگی‌های مسئله و شرایط جغرافیایی خاص، استفاده از متخصص و کارشناس در حل و فصل اختلافات ضروری است. بنابراین، ترکیب روش مذاکره، کارشناسی و داوری در یک فرایند تلفیقی، می‌تواند فرایندی کامل و بدون نقص را ارائه دهد. با وجود مزایای متعدد این روش، ممکن است نگرانی‌هایی نیز در این زمینه وجود داشته باشد؛ راه حل این مسئله اساسی اعتماد طرفین به شخص بی‌طرف است. با این حال، بهترین راه رفع نگرانی طرفین این انتخاب،

^۱ - شبکه اطلاع رسانی نفت و انرژی شانا، تاریخ بازدید

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده مسئول صورت گرفت.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

شیوه‌ای است که ادامه رسیدگی بعد از مرحله کارشناسی را موقوف به موافقت هر دو طرف می‌کند که الزام‌آور یا غیرالزام‌آور بودن رأی کارشناسی را در این روش، از قبل با مذاکره بین خود توافق کنند. بررسی بندهای حل و فصل اختلافات در قراردادهای متعدد نفتی بین‌المللی و تحلیل روش‌های حل و فصل اختلافات در روش کارشناسی- داوری در صنعت نفت و گاز ایران نیز برتری این روش حل و فصل اختلافات را نشان می‌دهد.



منابع

منابع فارسی

- ارفع نیا، بهشید؛ ملا ابراهیمی، عماد (۱۳۹۷)، حل مسالمت‌آمیز و شرایط جایگزین؛ روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای نوین بالادستی صنعت نفت و گاز با تأکید بر قرارداد IPC، نشریه مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲۱
- ثریائی آذر، حسین (۱۳۹۳)، نگاهی به روش‌های حقوقی حل اختلافات بین‌المللی، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲۱
- جوادپور، نغمه؛ غمامی، مجید (۱۴۰۱)، اتخاذ روش میانجیگری در حل و فصل دعاوی سرمایه‌گذاری نفت و گاز، حقوق فناوری‌های نوین، دوره ۳، شماره ۵
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، حقوق نفت و گاز، تهران: انتشارات میزان، چاپ اول
- ضیائی (۱۳۹۶)
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۲)، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: گنج دانش، چاپ هجدهم
- طجرلو، رضا؛ عبدی، صادق (۱۳۹۷)، مقایسه هیئت‌های حل و فصل اختلافات قراردادهای وزارت نفت و نمونه قراردادهای بین‌المللی فیدیک، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۴، شماره ۲
- کاشانی، جواد؛ دامن‌پاک، جعفر (۱۴۰۲)، ضمانت‌اجرای رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت در رژیم‌های مختلف بخش بالادستی، پژوهش‌های حقوق خصوصی، دوره ۱۱، شماره ۴۲
- کبیرآبادی، غزاله؛ محمدی، احمد؛ سلطانی، رضا؛ شهریاری، عبدالنعیم (۱۳۹۹)، تحلیل ماهیت اختلافات حاصله از قراردادهای حوزه نفت و گاز و الزامات داوری آنها، فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره ۴ (پیاپی ۱۲)
- نیکبخت، حمیدرضا؛ ادیب، علی‌اکبر (۱۳۹۵)، با عنوان «اصلاحگری و میانجیگری به عنوان جایگزین روشهای سنتی حل اختلافات مدنی- تجاری (امکان به کارگیری آنها در صنعت نفت)»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸
- مداحی نسب، مصطفی (۱۳۹۴)، روش‌های حل و فصل اختلافات و پیشگیری از آنها در قراردادهای نفت و گاز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- مصلحی، علی حسین؛ صادقی، محسن (۱۳۸۱)، با عنوان «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل اختلاف در مقررات جدید اتاق بازرگانی بین‌المللی»، مجله حقوقی، شماره ۲۶ و ۲۷
- ملا ابراهیمی، عماد؛ ارفع نیا، بهشید (۱۳۹۸)، تحلیل روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات (ADR) در قراردادهای جدید بالادستی نفتی ایران IPC، مطالعات حقوق انرژی، دوره ۵، شماره ۲
- منصوری طهرانی (۱۳۸۹)، «روش برتر حل و فصل اختلافات بین‌المللی در قراردادهای نفت و گاز- میانجیگری - داوری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی

منابع لاتین

- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۰)، بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: میزان، چاپ اول.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۷۶)، کلیات حقوق بین‌الملل، تهران: نشر وزارت امور خارجه، چاپ اول، ج ۲.
- مهاجری، انسیه؛ فیروزند، محمودضا (۱۴۰۱)، علل، اسباب و نوع شناسی اختلافات در قراردادهای نفتی، تحقیقات حقوقی، دوره ۲۵، شماره ۹۹.
- میرعباسی، سیدباقر (۱۳۷۶)، حقوق ژبین‌الملل عمومی، تهران: نشر دادگستر.
- Andrew Tweeddel and Karen Tweeddel, (2005), Arbitration of Commercial Disputes: International and English Law and Practice, New York Oxford University Press.
- Krishan Ranbir (2001). "An Overview of the Arbitration and Conciliation Act 1006". *Journal of International Arbitration*, Vol 23, No 3.
- Lawrence W. Newman, (1998), "A Practical Assessment of Arbitral Dispute Resolution", Lex Mercatoria and Arbitration, Thomas, E. Carboonel (General Editor), Locaus A.Mistelis, 2015
- Loukas A.Mistelis (2001). ADR in England and Wales, the American Review of international Arbitration, Vol.12.
- Reid, T. & Wallis, J. (2012). *Managing Large scale Energy Disputes Dispute resolution in energy sector: a practitioner's handbook*. Publisher: Globe law and business.
- Walde, T. W. (2004). Managing international OGEMI-Investment Disputes (Presentation). *Oil, Gas & Energy Law*, 2(1)



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی